

ابتکار

علم، فرهنگ، سیاست و اجتماع

تلاش نسل نو

چراغ مایه نفع تاریکی است، بدی جوهر تاریکی در زندگی

آدمی است، که از آن دوری باید جست. حکیم فردوسی خردمند

مسئولیت هر مقاله به نویسنده آن بر میگردد * ابتکار محدود و منحصر نیست * ابتکار از موضوعات علمی شما استقبال میکند

سقوط قندوز در بی تدبیری حکومت

نبیل رئیس اداره امنیت ملی کشور دو روز بعد از سقوط قندوز:

"رئیس جمهور و مشاور امنیتی ریس جمهور اتمر اجازه عملیات برای پس گیری قندوز را نداده است"



مصدیعی "نبیل"



ص 4

افغان؛ هویت

ملی یا قومی؟



مصدیعی "محمّد"

برای اینکه بدانیم افغان، هویت ملی است یا قومی به سه پرسش باید پاسخ گفت: هویت ملی چیست؟ ناسیونالیسم قومی کدام است؟ و آیا هویت ایرانی، آلمانی یا افغانی و غیره اصولاً می تواند وجود داشته باشد؟ هویت، چستی هر چیزی است، به انسان که مربوط شود، منظور از آن مجموعه ای از خصوصیت های نسبتاً پایدار است که کسی دارای آن است و به اعتبار آن از دیگران متمایز می شود. "هویت ملی که بازتاب فرهنگ یک ملت در طول تاریخ است میباید بازتاب عناصر سازنده و استوارکننده بقای ملی باشد و هم زمان اجازه جور و جفا را بر علیه مردمان کشور از بین برد. در این صورت این هویت ملی لازم است با عقلانیت آزاد و رها و خود محور که نوکر دین و یا ایدئولوژی نیست و ماموریتش کشف حقیقت و رفاه و بقای همه انسانهاست همسو باشد یعنی این هویت ملی باید حقانیت و درستی داشته باشد و بر اوام و دروغ استوار نباشد" اما هویت ملی امر ثابتی نیست، امر مقدس شده ای نیست در هر جایی که هویت ملی در تضاد با منافع ملی و حقانیت باشد لازم است در آن تجدید نظر کرد و همسو با عقلانیت آزاد و رها پیش رفت. "ناسیونالیسم قومی به گرایش سیاسی ای اطلاق میشود که قومیت، زبان و آداب و رسوم جامعه منتسب به قوم "خودش" برایش مقدس بوده . تقدس خون، خاک و زبان، کهنه پرستی، پاک جلوه دادن قوم "خود"، اشاعه تنفر قومی از ویژگیهای فکری ناسیونالیسم ادامه در ص 2

چرا انتخابات مجلس نمایندگان برگزار نمی شود؟



کھ باقر "مبلغ پور"

حکومت فعلی افغانستان با توجه به ساختار درونی اش با چالش های زیاد روبرو است. وضعیت امنیتی افغانستان بحرانی شده و هرروز گروه های تروریستی زنده و بیشتر از پیش فعال می شوند، قزویی کاری و تنگدستی با گذشت هرروز فراگیرتر شده می رود، نیروی انسانی جوان و فعال کشور گروه گروه به طرف کشورهای اروپای فرار می کند، سرمایه مالی مردم افغانستان درحال فرار است و زیدادی تجاران و سرمایه داران کشور از سرمایه گذاری در داخل کشور دست نگهداشته، وضعیت رکود اقتصادی حاکم است این ناهنجاری ها چالش های بزرگ در پیش روی حکومت فعلی افغانستان خوانده می شود حکومت وحدت ملی افغانستان مسئولیت های بزرگ دارد که باید انجام دهد؛ باین ناهنجاری ها مبارزه کند، از نفرت مردم بکاهد، مواد توافقنامه حکومت وحدت ملی را تطبیق کند و کشور را از بحرانی شدن احتمالی نجات دهد اما این حکومت برای انجام این مسئولیت ها نیازمند یک اراده سیاسی قوی می باشد که با تأسف این اراده در این حکومت به چشم نمی خورد؛ درگیری و اختلاف های درونی به شدت خود باقیست و تا هنوز هیچ هماهنگی بین سران حکومت به وجود نیامده تقسیم قدرت همچنان ادامه دارد، کابینه تکمیل نشده،

بنیان گذاران مرگ تدریجی هزاره ها



کھ گل رحمان فراز

کنند که باز خورد اش تا به حال به صورت بارز به شکل مثبت نمو کرده است و آینده اش هم جز سبز کامی و خوش کامی چیزی دیگر نخواهد بود! باز دید کنندگان را صرف تأمین امنیت و ارتقای سطح زندگی اجتماعی شان از راه به دست آوردن دانش، آموزش و پرورش معرفت فراهم بدارند و همان بود که زیدادی این مردم تمایل به این پیدا کردند تا اولاد های شان را که آینده سازان کشور محسوب می شوند، روانه مکتب جهت به دست آوردن دانش و آموزش کنند که باز خورد اش تا به حال به صورت بارز به شکل مثبت نمو کرده است و آینده اش هم جز سبز کامی و خوش کامی چیزی دیگر نخواهد بود! باز دید کنندگان را صرف تأمین امنیت و ارتقای سطح زندگی اجتماعی شان از راه به دست آوردن دانش، آموزش و پرورش معرفت فراهم بدارند و همان بود که زیدادی این مردم تمایل به این پیدا کردند تا اولاد های شان را که آینده سازان کشور محسوب می شوند، روانه مکتب جهت به دست آوردن دانش و آموزش کنند، روانه مکتب جهت به دست آوردن دانش و آموزش



در برگ ها

گپ دل
ص 3

نقش معلم در زندگی
ص 3

آسیب های اقتصادی
ص 4

جایگاه زن در جامعه
ص 4

پیام دین
ص 4

بنیان گذاران مرگ تدریجی هزاره ها

می کوشد تا به انگیزه رقابت سالم فرزندان شان را (اعم از دختر و پسر) به خاطر نتیجه قناعت بخش در آزمون پیش دانشگاهی همان دو و یا سه گوسفند را مصرف آمادگی کانکور اولادان شان می کند که این خود نشان دهنده دانش دوستی و به دست آوردن معرفت است! اما تأسف باید به حال کسانی خورد که حوصله رقابت سالم و راه پیشرفت خدا خواسته هزاره ها را ندارند و همیشه می کوشند سلسله های قتل های دسته جمعی دوره انید عبدالرحمان خان را که بعد قومی اش بارز تر از مذهبی است به تکرار بگیرند و این قوم را ریشه کن کنند در حالیکه تاریخ شاهد استبداد بی شرمانه و غیر انسانی عبدالرحمان خان است و حتی تاریخ تحمل درج حضور دوباره هزاره ها را در گرداب ماتم و خون دارد! در این میان سخت تأسف به حال رهبران قبیله وی قوم هزاره دارم که باوجود اطلاع کلی از ظلم چنگیزی گروه های فوق، دست زیر اлаشه نسته و چاره کار را خاموشی و بی صدایی در مقابل دشمن می دانند و به این معتقد اند که روزی دست ظالم از سر مظلوم فرو خواهد نشست و فکر کنم بدون حماسه حضور و عکس العمل شدید مردم در تبیح اعمال همان گروه ها، آنها به مراتب پر انگیزه تر و توانا تر در کشتار دسته جمعی ها خواهند شد و آن وقت که دیر هنگام خواهد بود، نتیجه چون تأسف خوردن و پشیمان بودن بر اجرای عکس العمل قبل از انجام در مقابل گروه ها وجود نخواهد داشت و آن وقت است که سه دولت مرد و قدرت مدار در رأس این قوم هر یک محمد محقق، محمد کریم خلیلی و سرور دانش مرگ تدریجی هزاره ها را آماده کرده و حادثه قتل های زنجیری دوران عبدالرحمان خان را تکرار کردنی اند! پس هر عمل که از طرف گروه های متخاصم و بد نام همچو داعش و طالب سر میزند را با شدید ترین الفاظ تقیح می کنم و ناسزا میخوانم، آتهای که درک منطقی از ظهور انسان و آیین معرفت و انسانیت بین انسان های جهان ندارند همواره می کوشند تا برداشت های خودی و نادرست شان از روایت، آیات و سوره های قرآنی را بدون ژست منطقی بالای دیگران بقبولانند و هویداست که خشم خدا روزی گریبان گیری آنان خواهد بود!



افغان؛ هویت ملی یا قومی؟

ادامه از ص 1

قومی است". که محصول ناسیونالیسم قومی جنگ ها و قتل عام های هولناکی است که لکه ی ننگی بر تاریخ بشر شده است که نمونه بارز آن "هلو کاست" است قتل عام یهودی ها توسط نازی ها اما آیا هویت ایرانی، آلمانی یا افغانی و غیره اصولا می تواند وجود داشته باشد؟ آری، طبعاً خصوصیت‌هایی وجود دارند که انسان از محیط اش می گیرد و بر این اساس کسانیکه در یک جمع و در یک محدوده زندگی درازمدتی دارند و از میراث‌های مشترک فرهنگی بهره می‌گیرند و در سیاست، در شیوه زندگی، در رابطه با محیط طبیعی و در رابطه با گروه‌های انسانی دیگر همسرنوشت می‌شوند، خصوصیت‌های مشترکی می‌یابند. اما هویت ملی باید از هویت‌های سنتی و بومی قوم، قبیله و حتی دین و مذهب عبور می‌کند. هویت ملی، هویت شهروندی است. من نمی‌دانم که یک عده از فاشیست‌ها قوم پشتون با کدام منطق می‌گویند در تذکره الکترونیک کلمه "افغان" درگزینۀ ملیت ذکر شود؟ یا کسان که افغان نیست از کشور ما خارج شوند؟ زیرا آنچه از لابلای اوراق تاریخ بدست می‌آید به صراحت می‌گوید: افغان، هویت قومی و تاریخی قوم مشخص با فرهنگ و زبان مشخص است. آقای غلام محمد غبار در مورد مینویسد: «در قرن دهم کلمه افغان که معرب اوغان بود در مورد قسمتی از قبایل پشتون کشور در آثار نویسندگان اسلامی پدیدار شد و در قرن هژدهم حاوی کلیه پشتون‌های کشور گردید. اما نام افغانستان برای بار اول در قرن سیزدهم در مورد قسمتی از ولایات شرقی کشور اطلاق گردید و در قرن شانزدهم علاقه های جنوب کابل عنوان ملک اوغان گرفت. در قرن هیجدهم از دریای سند تا کابلستان و از نزدیک کشمیر تا قندهار

چرا انتخابات مجلس نمایندگان برگزار نمی شود؟

ادامه از ص 1

باشد و درحقیقت از ورود ساختار نظام پیشین در مجلس نمایندگان شدیدن می ترسد چون سران حکومت فعلن گروه های مخالف سیاسی و منتقد حکومت را به چالش کشانده و هیچ فشار سیاسی علیه حکومت وجود ندارد تنها ترس این حکومت مداران از ساختار نظام پیشین است که می توانند با ورود در مجلس نمایندگان این حکومت را به چالش بکشانند بنا بر این به برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم تمایل جدی نشان نمی دهند دوم: برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه تنها در صورت امکان پذیر است که کمیسیون های نظام انتخاباتی اصلاح و افراد شامل درتقلب های انتخابات پیشین به پنجه قانون سپرده شوند و شناسنامه های برقی توزیع شود تا اعتماد سازی صورت گیرد اما اصلاح نظام انتخاباتی و به محاکمه سپردن افراد شامل درتقلب های انتخابات پیشین برای بعضی سران حکومت قابل پذیرش نبوده و اراده سیاسی ندارند و از طرفی توزیع شناسنامه های برقی از جمله دغدغه های پس از کنفرانس بن می باشد که تا هنوز به دلیل های مختلف این روند آغاز نمی شود و با اندک پیشرفت به چالش کشانده می شود و به تعویق انداخته می شود که چندی پیش خبرها از شروع این روند نوید می داد که با تأسف در گریو یک (واژه جنجالی) ماه ها به تعویق خواهد افتاد و ممکن با پیشرفت اندک دیگر به یک دلیل دیگر به چالش کشانده شود و تا مدت ها همینطور ادامه یابد چون یک طرف حکومت اراده ندارد و طرف دیگرش از یک موقف ضعیف برخوردار می‌کند و نمی‌تواند کار عملی کند.

در سرطان سال جاری برگزار می شد تا یک مدت نامعلوم به تعویق خواهد افتاد و نظام دولتی افغانستان بایک خلا قانونی هم چنان به کارش ادامه خواهد داد چون نه حکومت وحدت ملی اساس قانونی دارد و نه مجلس نمایندگان اما اینکه چرا انتخابات برگزار نمی شود و نظام از این وضعیت نجات نمی یابد دو دلیل زیر می تواند پاسخ بگوید یکم: مهم ترین دلیل ادامه این چالش نبود اراده سیاسی در رأس نظام است؛ حکومت مداران افغانستان درحقیقت نمی خواهد به این زودی ها انتخابات مجلس نمایندگان برگزار شود چون حکومت دارای مشکل های زیاد است و این مجلس نمایندگان فعلی در عین حالیکه جایگاه قانونی ندارد طبق میل حکومت افغانستان نیز است نمایندگان فعلی یک گروه مخالف سیاسی قوی علیه حکومت شده نتوانسته و کارهای حکومت را نقد نمی‌توانند ماه ها است که وزارت جنگ توسط سرپرست اداره می‌شود اما نمایندگان مردم هیچ گونه عکس العمل کارا و جدی نشان نمی‌دهند و از طرفی این حکومت در هراس از یک مجلس نمایندگان قوی در دور بعدی می



گ پ دل

میدانیم که گپ دل و درد دل تان زیاد است به همین دلیل این ستون را برای شما اختصاص دادیم و می خواهیم گپ دل شما را انعکاس دهیم پس گپ دل تان را آماده کنید تا که به دل تان نماند هرچه دل تان خواست به ما برسانید ما نشر می کنیم در این ستون محدودیت زیاد وجود ندارد هر کسی می تواند گپ دلش را بگوید از خیاط گرفته تا آموزگار و شهردار و سرباز. خیاط میتواند از وضعیت پینه و پتره خود بگوید واز مشتری های خود شکایت کند، شهردار میتواند از وضعیت زباله های داخل شهر ویل وپلچک بگوید آموزگار میتواند از شاگردان خود تعریف و شکایت کند و شاگرد میتواند از آموزگار خود تعریف و شکایت کند و بگوید که که ها روغن و گندمش را می دزدند و که ها به آنها درس می دهند؟ ارباب قریه میتواند از

نقش معلم در زندگی انسان

جواد الاحمدیار



از آن جاییکه انسان یک موجود اجتماعی است و نمی تواند به گونه انفرادی به زندگی خویش ادامه بدهد، ولی به خاطر ایجاد یک سیستم در زندگی اجتماعی لازم است سلسله قوانین را در نظام اجتماعی شان به وجود آورد تا اجتماع منافع هر فرد از انسانها را تعیین نماید. معلم در اجتماع انسانی نقش تعیین کننده خودش را دارد طوری که هر معلم آگاهی روند پرورش است، در سیستم های آموزشی، افراد زیادی مشغول به کارند و فعالیت های آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پرورش دانش آموزان و یا دانشجویان مؤثر است اما در این میان، نقش آموزگاران و استادان از دیگر افراد بسیار برجسته تر می باشد چنان که بیشتر وقت ها را دانش آموزان در مدرسه و دانشجویان در دانشگاه زیر نظر آنها سپری می کنند و عامل دیگر هم فراهم آورنده زمینه برای فعالیت معلمان و استادان می باشد از این رو بسیاری از دانش آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید شکل گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می دانند رابطه دانش آموز با آموزگار یک رابطه باطنی و معنوی است دانش آموز و یا دانشجو آموزگار از شخصیتی محترم و ممتاز می داند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن، و به عضویت رسمی جامعه در آمدن کمک و مساعدت می نماید آموزگار با روح و جان دانش آموز و یا دانشجو سرو کار دارد و به همین جهت به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می شود. دانش آموز اگر چه قبل در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدودی شخصیت او شکل گرفته است ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر می باشد. کودک و نوجوان در این سنین از محیط خانواده خارج می شود و به طور رسمی در اجتماعی جدید یعنی مدرسه و یا دانشگاه پذیرفته می شود دانش آموز در این اجتماع جدید فرصت می یابد تا افکار و اندوخته های دینی و رفتار و عاداتهای گذشته اش را مورد بازنگری قرار دهد و شخصیت خویش را بسازد و تکمیل کند و به همین لحاظ تثبیت کند با نفوذترین و محبوب ترین فردی که می تواند در این مرحله حساس او را یاری کند معلم است به همین جهت دانش آموزان و یا دانشجویان معلم و استاد خود را بعنوان یک الگو و اسوه می پذیرند. و خود را با

مردم قریه اش شکایت کند و مردم میتواند از کم کاری ها و خاص دزدی های ارباب شان گپله و ناله کنند ملای مسجد میتواند از صنف های تک نفری نماز گزاران بگوید و نماز گزاران می توانند شعر معروف حافظ را بخوانند (واعظان کین جلوه در محراب منبر میکنند) چون به خلوت رفت آنکار دیگر می کنند) خلاصه جای برای راز دل کردن شامست میتوانی از نمایندگان خراب و بیدار تان، از ولسوال تان، از جمله مسولان دولتی تان بگوید حتا موضوع های عشق و عاشقی را بگوید اما این مورد پسین دیگر آفتدر آزاد هم نیستید در این مورد حرف دل تان کمی بر رسی خواهد شد در اینجا فقط از خشوع و عروس معذوریم حرف دل این دوطایفه زیاد است ما نمیتوانیم هر روز به خود جنجال درست کنیم سروکار با این دوطایفه راهی نا کجا آباد خواهد کرد درد دل این دوطایفه در حقیقت در این چند بند نوشتاری هم نمی توان بیان شد درد دل این دوطایفه را فقط می توان سریال درست کرد و بیان کرد پس دیگر حرف ها دل و درد های دل تان را آماده کنید اگر شما به سراغ مانیامید ما به سراغ شما خواهد آمدیم

آسیب های بزرگ سیستم اقتصادی افغانستان



محمد جواد افروغی

اقتصاد، علم تخصیص و استفاده ی کارا، از منابع کمیاب جهت نبل به کارایی اقتصادی و رشد اقتصادی پایدار می باشد. اصولن اقتصاد، رفتار انسانها را به گونه ی دو جانبه بین خواسته های نامحدود و منابع محدود با کارآمدهای مختلف و تخصیص منابع کمیاب را برای تولید کالاها و خدمات کمیاب دیگر به منظور توزیع آن در اجتماع برای رفع نیاز جامعه و رفاه اجتماعی تحت بررسی قرار میدهد. بنابراین اقتصاد عبارت از علم مطالعه و به کارگیری منابع برای تأمین نیاز های اجتماعی است و علم اقتصاد رفتار جوامع را در ارتباط با چگونگی تولید، مصرف منابع محدود، پس انداز، مدیریت و بکارگیری ثروت و منابع مورد مطالعه قرار میدهد. علم اقتصاد علی الرغم اینکه نسبت به علوم دیگر جوان تر و تازه تر می باشد همگام با علوم دیگر، دگرگونی و پیشرفت خارق العاده ی را شاهد بوده است. این سیر و تحول در کشورهای انکشاف یافته حیرت آور بوده است. واما: افغانستان به عنوان کشوری که دایم درگیر کشمکش و بحران های داخلی و خارجی بوده است، کمترین توجه را در عرصه های تحول و رشد اقتصادی شاهد بوده بنابراین مشکل است، تمام راه هایی را که به هر دلیلی نتوانسته در این مدت ها پشت سر بگذارد را به یکبارگی ببیماید. با این وصف روند رشد فعلی اقتصاد افغانستان دچار آسیب های فراوانی است که البته درین نگاشته، من نیم نگاهی از عینک دانشجویی به آن نموده ام که نتیجه آنرا با شما به اشتراک میگذارم. یکم: نامم گونی جامعه ی انسانی. در علم اقتصاد، شاخصه های اقتصادی نظیر ناممگونی جامعه ی انسانی که شالوده ی میزان توسعه یافتگی یک کشور و یک جامعه به وسیله آن تحلیل و مقایسه میشود و متقابل فرایند ملی شدن یا THE PROCESS OF NATIONALIZATION نه تنها عامل عمده انکشاف اجتماعی بلکه عامل اصلی انکشاف اقتصادی پنداشته میشود. به این مفهوم که اگر ما، تعریف درست از ملت، هویت ملی و انسجام اقوام ساکن "هم گونی جامعه ی انسانی" در یک کشور را نداشته باشیم، یعنی که هنوز ما درگیر مسایل حل نشده درون اجتماعی هستیم یعنی ما در یک جامعه بدوی با شاخصه های ابتدایی یک جامعه که در دوره های پیشا تاریخی وجود داشته ندگی داریم. در کنار دیگر عوامل تاثیر گذار مانع بزرگی فرا راه رشد اقتصادی و اجتماعی می باشد که درین مقطع اصلن حرف زدن از شکل گیری یک سیستم اقتصادی کارا حتی غیر عاقلانه به نظر میرسد. و نمونه های آن را به خوبی در رشد نامتوازن ولایات از ناحیه تخصیص نا عادلانه بودجه و تشکیلات اداری، تنش های درون قومی واپس زده شدن اقلیت های کم زور توسط اقلیت های نیرومندمانند جامعه ی جنگلی" که در هر عرصه چشم گیر و واضح است تبارز یافته می یابیم. جای این تاسف باقیست که ما در جامعه خود با نبود انسجام فکری و ملی، چند پارچگی قومی «بحران هویت ملی سیاسی» روبه رو هستیم، که این خود زمینه اختلال ایجاد زیر ساخت های اقتصادی را در سطح کلان به میان می آورد. از طرفی هم این مشکلات زمینه مداخلات را فراهم آورده است که البته این مسأله در خیلی از کشورهای عقب افتاده مشابه است که در نوع نگرش و باور



جایگاه زن در جامعه

عبدالرشید "اخلاقی" دانش آموز صنف دهم لیسه امام علی (ع)

آرزوی من به عنوان یک انسان در تمام زندگیم این است که در جهت رسیدن به افق های روشن ومملو از صلح و صفا، عدالت وبرابری، آرامش وامنیت وخالی از هرگونه تبعیض وبی عدالتی، خشونت وبی حرمتی علیه ارزش های انسانی وکرامت انسانی به ویژه زنان در کشور خویش گام های بلندی داشته باشم. اگر قضاوت واقع بینانه داشته باشیم باید تمام مردان وجوانان امروزی به شخصیت انسانی وحقوقی احترام داشته باشد. چراکه زن گران بها ترین، با ارزش ترین وظریف ترین موجودی است که خداوند (ج) آفریده است. زن همان مادر است که خداوند فرموده بهشت زیرپایش قرار دارد. زن همان شخصیت است که هر سال یک بار توجه جهان را به کتله عظیمی از جمعیت بشر یعنی زنان جهان از نگاه حقوقی، حیثیت وکرامت انسانی جلب می کند. بهترین پرسش که در برابر مردان جهان قرار دارد این است که چگونه وضعیت زنان را در زندگی فردی واجتماعی تغییر دهند واین امر مهم را چگونه واز کجا آغاز کنند؟ آسان است طوریکه ما نباید وضع زنان را وابسته به وضعیت سیاسی کشور بدانیم، متأسفانه تا هنوز روش کار بر همین منوال بوده است یعنی وضعیت زنان با تحولات سیاسی تحول یافته است. گرچه زنان وضع شان کمی بهتر شده اما عزیزان باید بدانند که چنین تحول در وضعیت زنان دردی را دوا نمی کند واندرک بار از دوش مادران وخوهران ما کاسته نمی شود. ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که تمام این گونه آزادی های که حکومت نسبت به زنان دارد قابل قدر هستند ولی کافی نیست زمانی میتوان آزادی زنان را حس کرد که دید جامعه ما نسبت به زنان تغییر کند واین یک تحول بزرگ در فرهنگ ما خواهد بود. اگر روح فرهنگ مرد سالار باشد وزنان را انسانهای دسته دوم بدانند ولو قانون وحکومت از تساوی حقوق زن ومرد سخن بگویند بازهم جامعه مرد سالار خواهد بود وزنان از هیچ گونه حقوق وامتیازی انسانی خویش برخوردار نخواهد شد برعکس اگر روح فرهنگ زنان را مساوی با مردان دانست ولو حکومت این ارزش را نادیده بگیرد باز هم جامعه جبرن ولزوم به سمتی حرکت خواهد کرد که فرهنگ آن را ایجاب میکند. روشن فکران، فرهنگیان وقانون گذاران کشور باید دست به دست هم بدهند وتلاش نمایند تا خشونت را اولاً از پیشنهاد ودیدگاه های فرهنگی وعنعنوی خویش محو کند هر کس وظیفه دارد تا خودش، خانواده اش وهمسایگانش را نسبت به این ارزش مهم آگاهی دهد واین به یک باور تبدیل شود که زن اهمیت فوق العاده را در جامعه دارد، حتی زن مادر است ومیتواند در صورت عدم بقاء نسل انسان را به خطر مواجه سازد در جامعه این ثابت گردد که زن ها باعث سرافرازی مرد هاست وهیچگاهی مردی بدون موجودیت زن در آرامش نیست وزندگی برایش دشوار است. پس آزادی زنان از عنعنه ها، رسم ورواج های بی مورد وخرافاتی حریفست که پشت کار می خواهد وظیفه همه ای روشن فکران وفرهنگیان در سطح جهان وكشور است، فروش زن، خرید زن، زندانی كردن در خانه ها، عدم حق دادن برای آنها از مواردی برجسته ای است که در جامعه ما پیداد می کند و محو آنها وظیفه هر انسان آگاه وبیدار است، دوزیکه حقه ق مادران وخوهران مان دنگ ناممال نشود.

سقوط قندوز در بی تدبیری حکومت

قندوز با تمام اما و اگرها باید ونابیدها و شاید ونشایدها سقوط کرد و زنان وكودكانش مورد تجاوز قرار گرفتند ومردانش كشته شدند و خانه ها ویران شد وبیمارستان و ادارات دولتی و بانک ها آتش زده شد ونهادهای بین المللی بسته شد و در نهایت پرچم طالبان به اهتزاز درآمد.در اینکه همه عوامل داخلی و خارجی در این بی نظمی کمک های امنیتی و ناآرامی فزاینده دخیل هستند تردیدی وجود ندارد اما اینکه پس از بی کفایتی محرز و سکوت مطلق، هجمه ی هیاهو وسروصدهای زاید فضای رسانه ای و سیاسی را آکنده کند چندان خوشایند نیست.به عبارت دیگر اینکه این همه آگاه سیاسی فاقد صلابت اجرایی به انتظار نشسته اند تا لوسوالی وقریه و مرکز ولایتی سقوط کند وكودکی از فقر بمیرد و زنی مورد آزار جنسی قرار بگیرد و سربازی سر از تنش جدا شود و بعد از ویرانی، به اظهار نظر پردازند؛ مضحک و متاثرکننده است. اینکه که ولایتی به دست طالبان سقوط کرده است، هر کسی در بدنه ارگ یا در خانه ملت یا در مجلس

سنا و یا در اپوزیسیون خودخوانده و یا در دانشگاه های سیاسی به اظهار فضل و ابراز نظرات تکراری و بیهوده دست زده است که نمونه هایی از آن در ذیل آورده شده اند. **رحمت الله نیل: از مردم عذرخواهی ولی به نیروهای امنیتی افتخار می کنیم!**، **بناهد فرید: افراد بی کفایت باید استعفا دهند، استانکزی: به مردم قندوز ضرری نرسید، امرالدین ولی: 95 درصد خاک قندوز در تصرف طالبان است، محمد اکبری: والی تحمیلی قندوز عامل سقوط است وگرنه حکومت توانایی مقابله با طالبان را داشت، امین فرهنگ: مقصر سقوط قندوز، حکومت است، میرداد نجرابی: دلیل سقوط قندوز، والی این ولایت است، کمال: اختلاف مقامات محلی دلیل سقوط قندوز، رضازاده: رییس جمهور باید محاکمه شود، جان مکن: تصرف قندوز نتیجه خروج امریکایی ها است، نقیسه عظیمی: سران حکومت باید عذرخواهی کنند، اشرف غنی: قندوز در حال تصفیه شدن است! حال بیاید از اینان که همه دستی بر آتش دارند و خود را کارشناسان بی چون و چرای سیاسی وامنتی افغانستان می داندند پیرسیم که گزینه بعدی روی میز طالبان کدام ولایت است؟ و می شود که علم بدون عمل تان دردی از مردم ملکی دوا کند که ناگهان چقدر زود دیر نشود و حداقل تعداد تلفات جانی ومالی وروانی کاهش یابد؟**



پیام دین

اگر قتل و قتل بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر جنگ و جدال بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این دشمنی وادوار، بدین افعال سرگردان؛
اگر این قتل و قتل بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این تخریب بدین است که این جای زمین
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر
اگر این بیخ و بنام بدین است؛ مراکز بنام دیگر

انصار

بنیان گذار تدریس معیاری وبا کیفیت آموزشگاه عالی

با تیم نخبه وامكانات عالی در بخش های ذیل شاگرد می پذیرد

- آمادگی کانتکور
- اساسات
- ریاضیات
- زبان انگلیسی
- ادبیات دری

آدرس: مرکز لعل، روبروی آمريت معارف، کوچه عقب مخابرات. تماس: ۰۷۷۱۱۷۳۲۲۵ - ۰۷۹۶۸۶۷۷۲۱

هر 15 روز یک امتحان آزمایشی کانتکور (رایگان)

Ebtekar

- ❖ sciential
- ❖ Social
- ❖ Politic
- ❖ Cultural

صاحب امتیاز: **محمد علی "فائق"** 0777795707 تماس: ایمیل: malifaieq27@gmail.com

مدیر مسئول: **جعفر "رحیمی"** 0777577746 تماس:

معاون مدیر مسول: **باقر "مبلغ پور"** 0770102387 تماس:

سر دبیر: **محمد رضا "محمدی"**، **عمران "راتب"** عزیز الله "رامش" طیبه "صالحی" راضیه "احمدی" عزیز الله "اشراق" آزاد "بیامینی"، روزی خان پیام، ضیاء الدین "سلطان" خالد فروغ

گروه نویسندگان:

ویرایش:

مسئول توزیع: **نجیب الله "امید"** تماس: 0774309136